خبر

۴ کتاب ایرانی در فهرست کلاغ سفید ۲۰۲۳

فهرست کلاغ سفید ۲۰۲۳ کتابخانه بین‌المللی کودکان مونیخ رونمایی شد و در این فهرست چهار عنوان کتاب به زبان فارسی از ایران درج شده است. در این فهرست که شامل ۲۰۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان به ۳۹ زبان و از ۵۷ کشور جهان است، چهار عنوان کتاب فارسی از ایران نیز درج شده که شامل «آفتاب مهتاب چه رنگه؟» از پروین دولت‌آبادی با تصویرگری سلیمه باباخان از انتشارات کتاب تاک، «دو سیاره» نویسنده و تصویرگر مسعود قره‌باغی از انتشارات فاطمی، کتاب‌های طوطی، «تذکره بادها» نوشته رضا عبدی از انتشارات رسم کودکی، «سیاوش نامه» بازنویسی لیلا میرزایی از انتشارات خردنامه. این عناوین از میان کتاب‌هایی که اطلاعات آنها در بازه زمانی زمستان ۱۴۰۰ تا بهار ۱۴۰۱ از سوی ناشران، نویسندگان و تصویرگران، منتقدان ادبیات کودک، شورای کتاب کودک، آژانس‌های ادبی و سایر نهادهای فعال در حوزه ادبیات کودکان ایران به دست کتابخانه رسیده، انتخاب شده‌اند. بدیهی است که هرقدر تعداد این عناوین بیشتر باشد، امکان انتخاب آثار باکیفیت‌تر و همین‌طور عناوین بیشتر در فهرست نیز فراهم می‌شود. بخش فارسی کتابخانه بین‌المللی کودکان مونیخ در پیامی از تمام دوستان و صاحب‌نظرانی که با معرفی‌ها و نقدهای خود ما را یاری کردند، همین‌طور ناشرانی که سخاوتمندانه آثار خود را در اختیار کتابخانه می‌گذارند، سپاسگزاری کرد.

گفت‌وگوی «جام جم» با مجید اخشا

بازار مبتذل پ

علی مظاهری
گروه فرهنگ و هنر

فرهنگ ایران برخلاف دیگر تمدن‌های کهن از پا ننشسته، نبریده و همچنان با وجود گزندها و توفندگی رخدادهای بزرگ به زندگی و تاثیرگذاری‌اش ادامه داده است. شاید بقایای مادی از دست‌آفریدهای این سرزمین مانند دفینه‌های مصریان، چندان به‌جا نمانده باشد اما بالندگی، قدمت و به‌ویژه تعالی و فرهمندی این فرهنگ را می‌توان در دستاوردهایی دید که گستردگی، ژرفا و والایی بسی بی‌نظیر دارد؛ مثلا موسیقی ایران با آن همه دستگاه و مقام‌های آواز و گوشه‌ها و رنگارنگی اقلیمی‌اش همچنین تاثیر روشن و غیرقابل انکارش بر موسیقی دیگر ملل کهن، واقعا جا دارد همواره به عنوان «موسیقی مادر» ستایش شود. ابن بطوطه در سفرش به چین و دیدار با درباریان گزارش می‌دهد که ولیعهد چین نه‌تنها به زبان فارسی دلبستگی داشت بلکه از اقبال چینی‌ها به موسیقی ایران نوشته، همچنین ولیعهد چین با چه افتخاری چند ترانه فارسی را برای ابن بطوطه اجرا می‌کند. این گردشگر جهان کهن به‌صراحت نوشته که ولیعهد شعر سعدی را خواند، هرچند مخلص از فحوای کلام ابن بطوطه (شیوه برگردان و ترجمه ابن بطوطه از شعر سعدی به زبان مادری‌اش عربی) درنیافتم کدام شعر سعدی بوده اما چنین گزارش‌هایی کم نیستند... تاثیر ماندگار زریاب ایرانی بر موسیقی اسپانیا در عصر حکومت مسلمانان، همچنین ویژگی‌هایی که موسیقی ایران به موسیقی اقلیم‌ها از هندوستان تا مدیترانه افزوده، ما را بر آن می‌دارد بیندیشیم چرا با این همه داشته و تراث ارزشمند، اکنون فترت از سر و روی سلیقه و موسیقی روزآمد چنین مملکتی می‌بارد که نه‌تنها صدای خلاقیتی نمی‌آید، بلکه طنین‌ها همه روح‌خراش و آزاردهنده است؛ از صدا تا نغمه تا رنگ‌آمیزی و اجرا و... همه بی‌آفرینشگری، بی‌هویت و بی‌اثر انگشت هنرمندانه است. چرایی این مهم و شرح این هجران هنری و خون جگر را با دکتر مجید اخشابی درمیان گذاشتیم. اخشابی علاوه‌بر صدای آشنایی که در میان مردم دارد در زمینه تولید موسیقی از طریق نوازندگی و آهنگسازی، تدریس و تربیت دانشجو و مدرسین موسیقی، تحقیق و پژوهش از طریق تولید محتواهای علمی درقالب کتاب و مقالات علمی و نهایتا دنبال کردن هنر از مسیر و افق علمی فعالیت دارد.

سخن را با فعالیت‌های جدید شما آغاز می‌کنیم. از کارهای تازه و دیدگاه‌های تازه‌تر چه خبرها؟

این روزها مشغول ساخت و تولید یک سمفونی مبتنی بر تحقیق و پژوهش هستم، البته برای اولین بار تولید قطعاتی در حوزه موسیقی درمانی و نیز سلسله کتاب‌های متدآموزشی موسیقی‌ام که در دست انتشار است. همچنین نگارش مقالات متعدد و ترجمه چند کتاب؛ اینها مواردی است که بیشترین تمرکز برانجام آنها بوده. البته یکی دو قطعه درقالب کلیپ هم آماده انتشار دارم که در فرصت مناسب پخش خواهند شد.

یادم هست از مکاشفاتی گفته بودید که هنگام پژوهش و مطالعه برای‌تان در جهان علم و معرفت پیش می‌آید و مسرت‌بخش و روح‌افزاست؛ این مکاشفه‌ها به معنای الهام ایده‌های جدید است؟

فضای پژوهش و مطالعه، بسیار شوق‌آور و لذت‌بخش است به ویژه امر دانستن که آدم به جایی می‌رسد که به نادانی‌هایش پی می‌برد و تلاش می‌کند بیشتر بداند و برای دانستن، حریص‌تر می‌شود. من واقعا تمام وقتم را صرف مطالعه و پژوهش و دانستن می‌کنم و خصوصا در حوزه موسیقی درمانی مطالعات عمیقی داشته‌ام که نتایج آنها در قالب مقالات علمی-پژوهشی در نشریات معتبر علمی به تدریج در دست پژوهشگران و عموم قرار خواهد گرفت.

تاریخ ما گزارش‌هایی دارد از درمانگری‌ها که مثلا همچنان در موسیقی «زار» شاهدش هستیم، همچنین در عرفان ما موسیقی از ارکان اساسی برای پیشرفت‌های روحی و تعالی شخصیتی بوده، نمونه‌شان فخرالدین عراقی و مولوی که تعالی روحی‌شان بی‌موسیقی، تصور سختی است؟

درواقع تصور و انتظار من از موسیقی در گذشته صرفا لذت بود ولی الان در راستای مطالعاتم متوجه شدم موسیقی درمان است. واقعا یک ابزار درمانی است گرچه علم موسیقی‌درمانی بسیار نوپاست و شاید به صدسال هم در دنیا نمی‌رسد؛ چراکه به صورت مدون و مطالعه علمی و پژوهش و تدریس دانشگاهی در جهان عمر کوتاهی دارد. ولی بشر از دیرباز به این امر پی برده بود و متوجه فواید موسیقی و تاثیراتش بر روح و روان و جسم و افکار شده است به همین دلیل در تمام فرهنگ‌ها موسیقی یک امر خوشایند، دلپذیر و محبوب به شمار می‌آید و همیشه از موسیقی حتی‌الامکان برای شادی و نشاط و امید و ایجاد انگیزه بهره گرفته شده است.

خوشبختانه امروزه تکنیک‌ها و علومی وجود دارد که می‌شود هدفمند و خیلی متمرکز، از موسیقی برای اهداف روان شناختی و سلامت در حوزه‌های جسم و جان توأمان استفاده کرد. زمانی مولوی با شعر و موسیقی‌اش هدایت‌گر مردم و تعالی‌بخش‌شان بود و هر روز هم این ابرمرد بزرگ‌تر می‌شود، ولی از چنان داشته‌هایی امروز چرا بی‌بهره‌ایم و موسیقی جاری در کشور خیلی پوک و خالی است؟

زمانی اگر کسی شعری می‌گفت مولوی بود، حافظ بود، و سعدی و... با آن همه دانش و توانایی و ذوق و قریحه و... الان ممکن است شاعر ما یک نوجوان یا جوانی باشد که از قضا کمترین مطالعه را هم در حوزه ادبیات یا معرفت و اندیشه داشته است. متاسفانه نسل جدید اعتقاد زیادی به مطالعه و آموزش و کسب تجربه و یادگیری ندارد؛ صرفا به ذوق و احساسات برآمده از لحظه اکتفا می‌کنند و مثلا به شعر تبدیلش می‌کنند. معلوم است که چنین شعری نمی‌تواند حتی برای دوماه ماندگار باشد چه رسد مثل شعر مولوی و دیگر بزرگان ما که کلام‌شان مانند یک بنای استوار تاریخی قرن‌ها پابرجا می‌ماند.

از طرفی نسل تهیه‌کنندگان و تولیدکنندگان آثار هنری هم در حال حاضر مجرب و صاحب فن نیستند که باعث شده آثار تولیدی فورا مضمحل شوند، ضمن این‌که مردم هم ساده‌نگر و ساده‌پسندتر از قبل شده‌اند، انگار موسیقی و ادبیات به شوخی گرفته شده؛ هرقدر سخیف‌تر جذاب‌تر!

ابونصر فارابی بدترین شکنجه را شنیدن موسیقی بد دانسته، موسیقی امروز واقعا «جذابیت کشنده» است و چیزی ندارد جز خراشیدن صورت احساس به قول سپهری؟

دقیقا! متاسفانه موسیقی کنونی از هنر روز موسیقی و شعر ما به‌ویژه رسالت هدایتگری‌اش فاصله گرفته و تبدیل به تفنن و سرگرمی بی‌ارزش و مخرب شده است.

شوپنهاور تاکید دارد که «تجربه موسیقی» ما را از خودمان فراتر و به بی‌زمانی می‌برد و به تجربه حقیقتی وارد می‌کند، تجربه موسیقایی شما در این زمینه چیست؟

موسیقی یک موهبت خدادادی است و بعضی وقت‌ها که می‌بینم آن قدر فواید، پیچیدگی و زیبایی فشرده شده در معنا، روح و مفهوم موسیقی وجود دارد که به این نتیجه می‌رسم خود حضرت حق بدون هیچ واسطه‌ای موسیقی را آفریده و قوانینش را یک به یک وضع کرده است و این همه نظم و زیبایی و تکامل در جهان موسیقی درواقع فقط از عهده خلاقیت خود خدا برمی‌آید و لاغیر! به این نتیجه رسیدم که موسیقی ابزاری است در دست بشر که بتواند سختی‌ها، مرارت‌ها و مشکلات زیست فیزیکی‌اش را تحمل و درنهایت زیباتر زندگی کند؛ این تعریف من از موسیقی است.

هنرمندان بزرگ به‌ویژه موسیقیدان‌ها رهبران فکری جهان و شکل دهنده به مردم و کنش‌های اجتماعی‌اند. مثلا زمانی نیچه عقیده داشت هنر واگنر باعث رستگاری آلمان می‌شود. کدام موسیقی می‌تواند برای نسل جدید و جامعه تعالی بخش باشد مخصوصا که قرار است برپایی تمدن نوین ایرانی - اسلامی را رقم بزنیم که موسیقی از مهم‌ترین ابعادش است؟

شواهد نشان می‌دهد اساسا موسیقی این ظرفیت را دارد خصوصا هنر متعالی موسیقی ایران که هنری شناخته شده و همچون گنجینه‌ای نهانی است ولی واقعیت این است که و باید دوران تاریخی یک ملت یا مملکت چنان هنرمندان بزرگی را بپروراند. کشور و مردمانش باید هنرمندان جریان‌ساز وتاثیرگذار را تقدیم عصر خودشان کنند. به نظر من هنرمندان در دامان ملت‌ها رشد می‌کنند. اگر زمانی فلسفه در یونان به اوج خودش می‌رسد با چهره‌هایی مانند افلاطون، ارسطو و... گفتمان آن جامعه بر اساس فلسفه پیش رفته است. مردمان‌شان حداقل جرعه‌ای از حکمت و فلسفه نوشیده بودند و همه می‌خواستند تربیت فرزندان‌شان را به دست فلاسفه و حکیمان بسپارند. آن جامعه در مجموع جامعه‌ای فلسفی بوده که کسانی مانند آن بزرگان در آن پرورش یافته و بالیده‌اند. یا جامعه قدیم ایران که در زمان بوعلی سینا به شکلی فراگیر از حکمت و دانش، فلسفه و معرفت، علم و آگاهی عمومی و همگانی برخوردار بوده به همین علت چهره‌هایی مثل ابوعلی سینا، فارابی و بیرونی پدید آمدند.

اگر قرار باشد گفتمان اصلی جامعه آگاهی علم یا هنر نباشد، بدیهی است که به‌یکباره معجزه نمی‌تواند چهره‌ای پرتلالو را خلق کند که ماندگار شود. به‌نظر من برآیند عمومی آگاهی‌ها و زیبایی‌شناسی‌های یک جامعه در دانشمندان و هنرمندان همان دوره بروز و ظهور می‌یابد و این موضوع باعث می‌شود یک هنرمند واقعی در مقطعی تحویل تاریخ داده شود.

ما باید جامعه آگاه‌تر، هنرشناس‌تر و زیباپسندتری داشته باشیم تا آثار زیباتری خلق شود. اگر الان جامعه بی‌مایه‌ترین و سخیف‌ترین آثار را می‌پسندد، بدیهی است که خلق آثار فاخر موضوعیتی نخواهد داشت. ما در این سال‌ها نتوانسته‌ایم وارد مباحث بین‌المللی موسیقی شویم چراکه موسیقی ما حرفی برای گفتن نداشته است، چه به لحاظ مفهوم و محتوا و چه به لحاظ قالب و فرم. در موقعیت کنونی ابتدا باید مردم با استحاله فرهنگی خود، زیباپسندی، زیباجویی و موشکافانه برخورد کردن با آثار هنری را طلب و آغاز کنند و سپس هنرمندان هم با این مطالبه هماهنگ‌شده و آثار متناسب و قابل و درخورتری تولید کنند.

در موقعیت کنونی ابتدا باید مردم در مقابله با استحاله فرهنگی خود زیباپسندی زیباجویی و موشکافانه برخوردکردن با آثار هنری را طلب و آغاز کنند

اگر قرار باشد شخصی با کمترین سواد و توانایی و دانش، آهنگی را بسازد و همه مردم به به و چه چه‌گویان به آن مشغول باشند و این چرخه همواره ادامه داشته باشد تا جایی‌که اگر فحش و فضاحت هم در کار باشد باز هم مورد تشویق و ستایش واقع شود، دیگر چه می‌توان گفت و چه انتظاری می‌توان داشت؟!

این دیگر اوج فاجعه‌ای است که هرگز از آن هنر فاخر بیرون نمی‌آید؛ به همین علت نخست باید جامعه پوست‌اندازی کند و پس از آن هنرمندان. همیشه و همه‌جا در هر دوره‌ای این مردمند که به‌مثابه یک آموزگار یا یک استاد راهنما هدایت و تربیت هنرمندان هم عصرشان را به‌عهده می‌گیرند، تعیین می‌کنند، سفارش می‌دهند و هنرمندان هم گویی همان سفارش‌ها را به انجام می‌رساند. البته من نمی‌خواهم همه وظایف و تقصیرات را به گردن مردم بیندازم؛ هنرمندان هم بایستی تلاش و کوشش لازم را در به انجام رساندن رسالت اجتماعی - هنری خود داشته باشند اما بدون پذیرش مخاطب و استقبال جامعه از آثار هنری فاخر و در حقیقت نداشتن گوش شنوا و چشم بینا، واقعا کاری از دست هنرمند برنمی‌آید.

البته نکته مهم این است که دستگاه‌های دولتی ذی‌ربط نیز نقشی اساسی در تعالی و اصلاح سلایق مردم و سوق دادن‌شان به سوی استفاده از آثار باکیفیت دارند. فاخرترین آثار را در دوران بتهوون و موتزارت و بسیاری از آهنگسازان دیگر، همان حکومت‌های وقت سفارش دادند و باعث شدند که با حمایت از هنرمندان‌شان به تولید چنان آثار جاودانی در هنر موسیقی دست یابند.

متاسفانه این شرایط الان وجود ندارد، خیلی از تصمیم‌گیرندگان ما اساسا شناخت و درک درستی از عالم هنر ندارند و همین باعث شده این فضا ایجاد شود.

پس فعلا با برپایی تمدن ایرانی - اسلامی در شاخه موسیقی‌اش فاصله داریم؟

بله، فاصله داریم زیرا چنین امر مهمی ایجاد زیرساخت‌های زیادی را طلب می‌کند و فقط نمی‌شود به شعار بسنده کرد.

زمانی به استاد فخرالدینی گفتم عجیب‌ترین روزهای عمرتان کدام است، گفتند خیلی داشتم، کدامش را بگویم. وصف شما از روزهای عجیب‌تان چیست؟

نگاه من همیشه رو به جلوست شاید این روزها دارم پرهیجان‌ترین روزها را سپری می‌کنم درست مانند یک خوشه چین که تازه به دشتی از گل و غنچه رسیده باشد و مرتب در حال پرکردن خورجینش است. فعلا واقعا در حال آموختن و گردآوری هستم. قرار است تولیداتی

قاب

طراحی نمادین پرچم «فتح قدس»

پرچم و لوای نمادین فتح قدس شریف توسط بنیاد فرهنگی روایت فتح طراحی و در اختیار عموم قرار داده شد.

این پرچم که حاوی عبارت آیه ۱۳ سوره صف و عبارت «نصر من ا... و فتح قریب»، توسط مجتبی حسن زاده طراحی شده است. این پرچم با استفاده از تکنیک هنر خطاطی و تایپوگرافی و با بهره‌گیری از مختصات قبه الصخره طراحی شده و قرار است به‌زودی در تیراژی وسیع چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

میراث

ثبت مراسم کوزه شکنی در رویدادهای گردشگری

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی از ثبت مراسم سنتی کوزه شکنی شهرستان قائنات در تقویم رویدادهای گردشگری کشور خبر داد. گواهینامه ثبت مراسم سنتی کوزه شکنی شهرستان قائنات در تقویم رویدادهای گردشگری جمهوری اسلامی ایران با شماره ۲۰۲۰۹۵۵ به استان ابلاغ شد. شاهوردی بیان کرد: در گذشته با فرا رسیدن نوروز، مردم شهرستان قائنات مراسم کوزه شکنی را بعد از برگزاری چهارشنبه سوری اجرا می‌کردند. آنان کوزه‌های کهنه و قدیمی را که آب از آن تراوش نمی‌شد و به‌عبارتی آب را سرد نمی‌کرد و داخل آن جلبک می‌گرفت و دیواره آن سبزرنگ می‌شد را از سر در حیاط خانه به داخل کوچه می‌انداختند و اعتقادشان این بود که با شکسته شدن این کوزه بلا و بیماری از خانواده دور خواهد شد. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی هفته گذشته نیز از ثبت مراسم بیل‌زنی خوسف در تقویم رویدادهای گردشگری کشور خبر داد. وی پیشتر گفته بود: تاکنون ۹ رویداد استان خراسان جنوبی در تقویم رویدادهای گردشگری کشور ثبت شده و پنج رویداد دیگر در حال ثبت است.

پیشخوان

«یه روز...» و همکاری ۵۰ نوازنده

آلبوم «یه روز...» آلبوم گرشا رضایی که برای نخستین بار با ارکستر بزرگ تولید شده، به‌زودی روانه بازار موسیقی ایران خواهد شد. گرشا رضایی درباره روند تولید آلبوم EP (کوتاه) یه روز... اظهارکرد: نام آلبوم را یه روز... انتخاب کرده‌ایم. بر اساس ترانه‌ای به همین نام که در آلبوم گنجانده شده و برداشتی آزاد برای هر مخاطبی است که آلبوم را گوش می‌کند.

وی گفت: این آلبوم مشتمل بر چهار قطعه است که همگی به صورت آنسامبل تولید شده‌اند و تا ۵۰ نوازنده به تناسب در هر قطعه ساز می‌زنند. ضبط به‌صورت همزمان و آنسامبل در ایران انجام شده و همه موضوعات فنی اثر در ایران تولید و به لحاظ کیفی بهترین استانداردهای جهانی را رعایت کرده است. رضایی افزود: معدود آلبوم‌ها فارسی زبان بوده‌اند که تلاش‌هایی را در خارج کشور برای تولید آثارشان با ارکسترهای بزرگ کرده‌اند و آثاری جدی در خارج ایران با این مختصات ضبط شده اما بعد از انقلاب این نخستین پروژه با این حجم است که در ایران تولید شده و در موسیقی پاپ ایران بی‌سابقه است.